

متن پرسش

بسم الله و السلام خدمت استاد فخیم حاج آقای طاهرزاده بعد از مدتی به خاطر یک رویداد بسیار تامل برانگیز مزاحم تان شدم. دیروز برخورد مجری جوان برنامه من و شما با آقای وراستی خیلی جنجال به پا کرد که فکر می کنم مثل خود موضوع بحث آقای فراستی در آن برنامه بسیار قابل تامل است. <http://www.telewebion.com/episode/۱۹۳۴۶۴۸> در انتهای بحث خودم از آقای دکتر ناظمی مدرس فلسفه هم تحلیلی می گذارم و نظر خودم را هم عرض می کنم. خلاصه این که جناب ناظمی بیشتر به بعد طبقاتی مسئله اشاره کردند ولی بعد فرهنگی و فکری این ماجرا نیاز به تامل جدی دارد. برای من این پدیده با سابقه مطالعاتی ام خیلی آشنا است. عین این پدیده چند دهه زودتر در غرب شروع شد با جنبش هیپی ها و ضد فرهنگ در دهه ۱۹۶۰ که روی دیگری نهیلیسم فلسفی پست مدرن بود. در این فضای بی اهمیت شدن معنا و حقیقت زندگی انسان به سیرک تبدیل می شود که در آن باید خورد و چرید و رقصید و لذت برد. هر کسی که هم مزاحم شما شود دیوی است که باید از سر راه برداشت! این فضای دهه شصتی آمریکا الان به ایران رسیده واقعا در بین نسل جوان یک فضای سرخوشی و لذت گرایی عجیبی حاکم است به طوری که اصلا هم متوجه نیستن این چه ظلمات وحشتناکی است که همه زندگی را به شوخی و بازی می گیرند و هیچ چیز انگار برایشان جدی و مهم نیست. عقل و هوش در این فضا چنان تعطیل می شود که مجری جوان تا ته برنامه متوجه نمی شود که چه قدر خراب کرده و بی ادبی کرده و فکر میکنه مسابقه رو کم کنی را از آقای فراستی برده و رجز می خواند تا این که خبر می آید که از طرف رئیس سیما توبیخ شده و برنامه بعدی هم تعلیق می شود! <https://www.tasnimnews.com/fa/news/۱۳۹۷/۰۹/۰۹/۱۸۸۷۸۹۴> یعنی بنده خدا حتی بعد از ناراحتی شدید آقای فراستی باز هم زشتی کارش را متوجه نشد و فکر می کند برنده شده در یک دعوای پرسپولیسی استقلالی!! ظاهرا این یک نمود خیلی فاحش از همان معضل نهیلیسم است که حضرت عالی همیشه می فرمایید! البته در تعلیل سیاسی-فلسفی ماجرا فکر می کنم باید به سردرگمی جوانان نسبت به مواضع سیاسی و موضوعات دینی فکر کرد که آن هم به نظر می رسد به خاطر رنگ باختن شعارهای انقلابی و دینی در نگاه آنها با توجه به تحولات سال های اخیر است. از این جهت ظاهرا ما با دوره یونان باستان هم قابل مقایسه هستیم! یعنی مثل دوره سوفسطایی که این قدر حرف های ضد و نقیض بین بزرگان بود که یک عده به این نتیجه رسیدن که حق و باطلی در کار نیست و بچسبیم به عشق و حال زندگی و بی خیال حقیقت! البته در جامعه ما علاوه بر عامل سیاسی مذکور، هرج و مرج فضاهای مجازی و حرفهای ضد و نقیضی که در این بستر

نشر می یابد هم به این معضل دامن می زند. خلاصه ظاهراً آقای فراستی در آن برنامه حکم خرمگس آتن را بازی می کرد! و لذا به نظر می رسد همان طور که حضرت عالی می فرمایید چاره کار واقعا در دست حکما است که البته در سنت ما از سقراط فرسنگ ها جلوتر رفتند و حالا باید دست این جوانان را بگیرند. و در نهایت مطلب آقای ناظمی [Forwarded from] نامه پرسش - سید مهدی ناظمی قره باغ] لودگی و جریزه پخش قسمتهایی از برنامه شبکه شما با اجرای آرش ظلی پور که در آن به شکل بی سابقه ای به مهمان برنامه توهین می شود، موجی در کاربران شبکه های اجتماعی ایجاد کرده است. موضوع برنامه ظاهراً درباره فیلمهای لوده و لوده پرور سینما بوده است. چیزی که حیرت آور است این است که این مهمان برنامه - مسعود فراستی - نیست که خطاب به کسی تند می کند و برنامه را با چالش مواجه کند، بلکه این مجری، یعنی مثلاً عامل حرفه ای برنامه و «معتمد صدا و سیما» است که به شکل تهوع آوری، به شخصیت فراستی و حتی مسائل شخصی زندگی او حمله می کند و تا پایان هم به شکل دیوانه واری از کار خود دفاع می کند. از منظری اجتماعی، نباید کار مجری را خیلی هم عجیب دانست. این مجری جوان، فقط یکی از انبوه جوانان وابسته به طبقه مرفه کلانشهرهاست که چنین حسی را به فراستی و اغلب چهره های علمی برجسته ای دارند که منتقد وضع اجتماعی موجود هستند. نفرت از فراستی هیچ ربط مستقیمی به سینما یا هنر ندارد. نفرت از فراستی عکس العمل طبقه مرفه شهری است؛ طبقه ای که هویتی برای خود نیافته است، برآمده از روابط اقتصادی رانتی-راستی است، دلخوشی او سلبریتی های برجسته شده در همین روابط است و به پشتوانه بستر فرهنگی رسانه های بزرگ جهانی، غیر خود را محقر، دشمن و مقصر همه چیز فرض می کند. رسانه های جمعی و سلبریتی های برجسته شده در این رسانه ها، پدیدآورنده جوانانی سهل انگار، متکبر، بی مایه و پرادعا شده اند. شاید اعتماد به نفس بالاتر جوانان امروز نسبت به دیروز، اعتماد به نفسی که خودش خوب و امیدوارکننده است، دستمایه این اعوجاج در برخی از جوانان طبقه مرفه شهرها یا سمپاتهای آنها شده باشد. به هر حال هر چه که هست متولیان فرهنگ و رسانه کشور، لازم است با دیدن این کلیپ چند دقیقه ای، عمیقاً از خود بپرسند با جوانان این کشور چه کرده اند؟ از خود بپرسند چه شده است که هر کسی با مدتی حضور در شبکه های اجتماعی و چرخ زدن در فضای نت، «کارشناس» می شود؟ خط مشی گزاران جناح حاکم لازم است از خود بپرسند چطور برخی اقشار مرفه جامعه این چنین از دیگران متنفرند؟ بپرسند این همه جریزه در جوان خوش تیپ و آرایش کرده رسانه ملی از کجا و به چه پشتوانه ای به وجود آمده است؟ نفرت از مسعود فراستی نفرت یک نوع فرهنگ خوش خوشان و خوش خیال و روزمره است از فرهنگ نقادی و فکر کردن. (عکس بعدی این کانال را مشاهده کنید. هر چند هیچ نیازی به انتشار این عکس نبود. کسی که اندکی با فضای گفتگوهای رایج در شبکه های اجتماعی آشنا باشد، خوب می داند که چنین رفتاری، مسبوق است به شرط بندی ها و کری خونی های جوانان با همدیگر برای «رو کم کنی»: غلبه فرهنگ لمپنی و لات بازی متجددانه بر فرهنگ پرسشگری و نقادی.) @sayedmahdinazemi منتظر کریم، [۰۱.۱۲.۱۸ ۰۵:۵۲:۰۰]

[Forwarded from] نامه پرسش - سید مهدی ناظمی قره باغ [Photo] هیچ نیازی به انتشار این عکس نبود. کسی که اندکی با فضای گفتگوهای رایج در شبکه های اجتماعی آشنا باشد، خوب می داند که چنین رفتاری، مسبوق است به شرط بندی ها و کری خونی های جوانان با همدیگر برای «رو کم کنی». غلبه فرهنگ لمپنی و لات بازی متجددانه بر فرهنگ پرسشگری و نقادی.

متن پاسخ

بسمه تعالی: سلام علیکم: باید این صحنه ها پیش می آمد و باید ما منتظر چنین رویدادهایی باشیم. بحث در دفاع از جناب استاد فراستی نیست، که معلوم است همه ی انتقادهای ایشان به جا نخواهد بود؛ ولی بحث در حضور تاریخی است که تاریخ عبور از جهنم مدرنیته است، به همان معنایی که قرآن برای رسیدن به بهشت، عبور از جهنم را حتمی می داند و می فرماید: «و ان منکم الا واردها کان علی ربك حتماً مقضیاً» (مریم/۷۱) فرار از این صحنه ها و منتظر آن ها نبودن، چاره ی کار نیست، چاره ی کار، آماده شدن برای عبور از چنین دنیایی است. دنیای توسعه یافتگی جز این اقتضائاتی ندارد که هرگونه امر قدسی را مزاحم خود می داند. و این با نوعی آمادگی خاص نسبت به آینده ای که آن آینده نه ادامه ی مدرنیته است و نه برگشت به گذشته، پیش می آید، آینده ای که با حضور روح قدسی انقلاب اسلامی بخواهیم و نخواهیم در پیش روی ما است و ما اگر با نگاه به آن آینده خود را تنظیم کنیم، می توانیم از این نوع پدیده ها عبور نماییم. شاید جزوه ی «ما و آینده» که بر روی تابلوی سایت «لبّ المیزان» هست، چشم اندازی را در این رابطه بگشاید. موفق باشید